



واکاوی مبانی نظری تروریسم و نقش آن در امنیت

علی پورخزایی^۱ یاسر قادری^۲ مهدی خیرخواه^۳

چکیده

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم نظری تروریسم می‌پردازد تروریسم در ادبیات سیاسی بسیاری از کشورها به عنوان یک مسئله و یا موضوع امنیتی مهم مطرح بوده امروزه یکی از عمده‌ترین مسائلی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، مسئله‌ی تروریسم است. تروریسم، از چالش‌های جدی امنیتی در دوران جهانی‌شدن شمرده می‌شود که بر ناامنی‌های جهانی افزوده است. همچنین این پدیده به سبب پیوند آن با فناوری‌های تازه، به یک رفتاری راهبردی تبدیل شده و توانسته است گروه‌های کوچک، اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در پهنه‌ی بین‌المللی تبدیل کند. البته به منظور ریشه‌یابی تروریسم، در کنار مسائلی عینی مانند خشونت سیاسی، به مسائلی همچون بی‌عدالتی و نابرابری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز باید توجه کرد. مبارزه با تروریسم مستلزم شناخت مفاهیم تروریسم، شاخصه‌ها و مفاهیم تروریسم، ابعاد و انواع تروریسم و مصادیق تروریسم می‌باشد عملیات تروریستی نقش مهمی در مخدوش کردن امنیت ملی می‌نمایند و برای ایجاد امنیت اجتماعی و روانی جامعه هزینه‌های هنگفتی را ایجاد می‌کند که در این مقاله به بررسی مفاهیم نظری تروریسم و نقش آن در امنیت پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تروریسم، امنیت، امنیت ملی-مبارزه با تروریسم

^۱- مربی ارشد دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران
—ali.porkhazai@gmail.com— نویسنده مسئول تلفن: ۰۹۱۲۶۷۸۶۱۸۴

^۲مربی ارشد دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران

^۳کارشناس دانشکده امنیت





جستجوی امنیت از مهم‌ترین کشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. این کشش با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. امنیت به‌خودی‌خود واجد بار ارزشی خاصی نیست و هنگامی بار ارزشی می‌یابد که در مقوله حق و باطل، درست و نادرست، ارزش و ضد ارزش و بایدونباید قرار گرفته و به سه پرسش اساسی پاسخ گوید: امنیت در مقابل چه چیز؟ امنیت برای چه کسی؟ و امنیت تا چه میزان؟

امنیت اجتماعی امروزه یکی از رایج‌ترین مفاهیم در قلمرو مناسبات جهانی و مباحثات جامعه‌شناسی است. در روزگار ما این مفهوم از عرصه مطالعات دانشگاهی و فعالیت‌های دیپلماتیک پا فراتر نهاده و به حوزه مطبوعات و رسانه‌های همگانی نیز کشانیده شده است. اسلام امنیت را شرط حرکت عظیم اجتماعی برای ملت و زمینه‌ساز پیشرفت‌های معنوی و مادی می‌داند. هر حکومت و جامعه‌ای برای تحقق اهداف خود نیازمند ایمنی از تهدیدات است. حکومت اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در نظام سیاسی اسلام، اعتقاد بر این است که حکومت اسلامی آئینه تمام نمای امنیت و تجلی‌بخش حوزه‌های مختلف امنیتی است. امنیت در اسلام، مایه‌ی قوام و حیات جامعه است.

تروریسم بزرگ‌ترین خطر برای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی شمرده می‌شود. این پدیده به سبب پیوند آن فناوری‌های جدید، به یک گرفتاری و معضل بین‌المللی تبدیل شده است و توانسته است گروه‌های کوچک، اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در عرصه‌ی بین‌المللی تبدیل کند. در این سال‌ها، با گسترش پدیده‌ی تروریسم، جامعه‌ی انسانی مورد تهدید قرار گرفته است و این پدیده در درون مرزهای جغرافیایی ویژه‌ای قرار ندارد و خطری برای جهان شمرده می‌شود. تروریسم بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین مسائل و دشواری‌های جهان کنونی است؛ و در این مقاله به بررسی مفاهیم نظری تروریسم و نقش آن در امنیت پرداخته شده است.

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق:

در سخنان معصومین (ع) و روایات آن بزرگواران نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من اصلح معافیا فی بدنه فی سربه عنده قوت یومه فکانما خیرت له الدنیا بحذافیرها» (نهج الفصاحه: ۵۹) هرکس تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست. ایشان هم‌چنین





می‌فرمایند: «الامن و العافیه نعمتان مغبون فیما کثیر من الناس» امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند. همچنین می‌فرمایند: «النعمتان مجهولتان، الصحه و الامان» دو نعمت است که مورد قدرناشناسی و ناسپاسی است. یکی نعمت امنیت و دیگری نعمت سلامتی. نهج‌البلاغه علی (ع) نیز مشحون از اشارات وافر به اهمیت امنیت است. در این رابطه حضرت می‌فرمایند: «فجعله امناً لمن علقه» (نهج‌البلاغه خطبه ۱۰۶ بند ۱: ۱۴۶) خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگانش قرارداد و در روایات دیگر می‌فرمایند. «رفاهیه العیش فی الامن» (شرح غررالحکم جلد ۴: ۱۰۰) و ماهیت زندگی در امنیت است. در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «لا نعمة اهنا من الامن» (همان: ۴۳۵) هیچ نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد. اقدامات تروریستی باعث از بین رفتن امنیت روانی در بین مردم می‌شود و رعب و وحشت ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه تروریسم رابطه نزدیکی با امنیت دارد در این مقاله به واکاوی مفاهیم تروریست و نقش آن در امنیت می‌پردازیم.

بیان مسئله

تروریسم در ادبیات سیاسی بسیاری از کشورها همواره یک مسئله یا موضوع امنیتی مهم بوده است؛ اما پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر به یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در زمینه امنیت بین‌المللی تبدیل شد. درواقع یکی از آثار رویدادهای ۱۱ سپتامبر، دگرگون شدن حوزه‌ی اقدامات تروریستی بوده است. همچنین با ورود به عصر جهانی‌شدن و گسترش سلاح‌های کشتارجمعی، اقدامات تروریستی ابعادی گسترده یافت و گروه‌های تروریستی به‌عنوان بازیگران بین‌المللی مطرح شدند. با وقوع این تحول جدید در عرصه‌ی بین‌الملل این سؤال مطرح شد که جایگاه این پدیده در حقوق بین‌الملل چیست و آیا در حقوق بین‌الملل تمهیدات جدی برای مقابله با این پدیده در نظر گرفته‌شده است؟

در این میان سازمان ملل متحد به‌عنوان عالی‌ترین مرجع حقوقی در نظام بین‌الملل موردتوجه قرار گرفت و مجمع عمومی و شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین ارکان سازمان توجه خود را به این پدیده معطوف داشتند؛ اما سؤال اینجاست که سازمان ملل چه اقدامات و تمهیداتی برای مقابله با تروریسم در نظر گرفته و آیا این تمهیدات کافی است؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که اقدامات سازمان ملل به‌ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت در مقابله با تروریسم اقداماتی انفعالی و متأثر از قدرت‌های بزرگ بوده و این سازمان تاکنون نتوانسته سازوکار منسجم و مبتنی بر واقعیات جهان حاضر ارائه دهد. این نحوه‌ی برخورد سازمان ملل با پدیده‌ی تروریسم مقابله‌ای ریشه‌ای با این پدیده را به‌شدت تضعیف می‌کند (اقارب پرست، ۱۳۸۶)





بدین ترتیب جامعه‌ی بین‌المللی باید اقدامات ضد تروریستی مؤثری را توسعه دهد که تجلیات پیچیده و جهانی تهدیدهای فزاینده‌ی تروریستی را موردتوجه قرار دهد. اقدام یک‌جانبه یا حتی دوجانبه برای مقابله با تهدیدی که جهانی است، کافی نیست. همکاری و هماهنگی‌های بین‌المللی برای محدود ساختن تروریست‌های بین‌المللی، لازم و ضروری است؛ بنابراین در این عرصه، رویکردی جهانی موردنیاز است نکته‌ی دیگری که نایستی آن را از نظر دور داشت، این است که تروریسم پدیده‌ای است که تفاوتی بین افراد نظامی و غیرنظامی قائل نمی‌شود بلکه اکثر اوقات با استفاده از کشتار غیرنظامیان می‌خواهد به اهداف سیاسی و ناعادلانه‌ی خود دست یابد. بی‌شک هر پدیده‌ای دارای علل و عواملی است و بسترهایی برای ایجاد خود لازم دارد. مطالعه در زمینه‌ی علل و عوامل تروریسم کمتر از حد نیاز صورت گرفته و آنچه هم‌اکنون در سطح جهان در برابر تروریسم اجرا می‌شود بیشتر مبارزه با سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی است که صرفاً راهکارهای نظامی در مواجهه با این پدیده است. بدین ترتیب مبارزه با تروریسم مستلزم شناخت علل، ریشه‌ها و زمینه‌های وقوع این پدیده است. در این نوشتار ابتدا به بررسی مفهوم و تعریف تروریسم، تقسیم‌بندی انواع تروریسم، تروریسم جدید و ویژگی‌های آن، ریشه‌های تروریسم و امنیت مبارزه با این پدیده را موردبحث و بررسی قرار خواهیم داد.

هدف تحقیق

هدف پژوهش حاضر بررسی پدیده تروریسم و واکاوی مفاهیم آن و نقش عملیات‌های تروریستی در امنیت می‌باشد

پرسش تحقیق

تأثیر شناخت مفاهیم تروریستی در امنیت چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت توصیفی- اسنادی (کتابخانه‌ای) می‌باشد و منابع مورد استفاده اعم از کتب، مقالات و مطالب مندرج بر روی سایت‌ها و خبرگزاری جمع‌آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مبانی نظری

-مفهوم تروریسم

واژه‌ی ترور از ریشه‌ی لاتین (Ters) به معنی ترساندن آمده است. عالمان علم سیاست معتقدند روی طیف خشونت سیاسی، تروریسم به روشنی جایی بین دعوا و جنگ قرار می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۵). اما جنگ، به معنای نوعی خشونت سازمان یافته از سوی



دولت‌هاست که بر اساس قواعدی معین استوار است. درحالی‌که تروریسم بر اساس کاربرد نامنظم و پیش‌بینی‌ناپذیر خشونت برای دستیابی به اهداف گوناگون رخ می‌دهد. (Derderian, ۱۹۹۱)

همچنین بر پایه فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، تروریسم اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافقی میان حکومت‌ها یا تحلیلگران دانشگاهی وجود ندارد، اما کمابیش به شیوه‌های گوناگون و با برداشتی منفی برای بیان اقدامات خشونت‌آمیز (گروه‌های فرو دولتی خودساخته) بانگیزه‌ها و اهداف سیاسی همراه با ایجاد ترس و وحشت بر ضد جان افراد به کار می‌رود. (Mc Lean, ۱۹۹۶).

امروزه مفهوم تروریسم ماهیت متفاوتی پیدا کرده و به شکل معناداری از سایر مفاهیم خشونت‌بار نظیر ترور، جنگ چریکی و جنگ کلاسیک متمایز شده است. البته، در مورد تعریف تروریسم بایستی گفت که محققین و اندیشمندان سیاسی و روابط بین‌الملل به تعریف واحدی دست نیافته‌اند و لذا با انبوهی از تعاریف در خصوص این پدیده مواجه هستیم. واژه‌ی تروریسم و «تروریست» به نسبت واژه‌های نوپایی هستند (طیب، ۱۳۸۲) در اعلامیه‌ی حقوق بشر، تمدن به‌منزله‌ی پیشرفت و توسعه‌ی جوامع انسانی تعریف شده است، درحالی‌که ترور به معنای کشتار سیستماتیک و سازمان‌یافته تعریف شده است. (سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱) همچنین ترور در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس افکنی است؛ و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفین خود و تهدید آن‌ها اطلاق می‌گردد و همچنین عمل گروه‌های مبارزی که جهت رسیدن به اهداف سیاسی خود به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز دست می‌زنند، ترور نامیده می‌شود (آشوری، ۱۳۷۸).

در قانون کشور فرانسه تروریسم درواقع به عمل مجرمانه‌ای اطلاق شده است که به‌صورت فردی یا جمعی و با توسل به رعب و وحشت و به‌قصد برهم زدن شدید نظم عمومی، ارتکاب می‌یابد (Deen, ۲۰۰۵). در این تعریف ۳ عنصر مهم نهفته است: ۱. استفاده از خشونت (همچنین تهدید به استفاده از خشونت)، ۲. هدف ایجاد رعب و وحشت و عدم امنیت، اگرچه الزاماً جماعت موردنظر دچار ترس و وحشت نگردند، ۳. ایجاد فضای سیاسی متشنج از طریق بی‌ثبات کردن نظم عمومی. با توجه به مطالبی که عنوان گردید، اگر بخواهیم تعریف جامعی از تروریسم ارائه بدهیم می‌توان آن را به این صورت تعریف نمود: هرگونه رفتار خشونت‌آمیز و تهدیدکننده که از جانب فرد یا دسته‌ای از افراد و یا دولت خاصی که علیه یک کشور یا یک جمعیت و یا فردی باهدف ایجاد ترس و وحشت در میان





مردم که می‌تواند نظم امنیت موجود را به هم زده و موجبات تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم نماید و به این طریق هدفی قدرت‌طلبان را دنبال کند، تروریسم نامیده می‌شود.

-تقسیم‌بندی انواع تروریسم

گونه‌های مختلف تروریسم عبارت‌اند از: ۱. تروریسم دولتی (Terrorism State) که در این شکل از تروریسم سازمان‌های دولتی و حکومتی، خود به کشتار شهروندان می‌پردازند؛ مانند عملکرد رژیم‌های مستبد و دیکتاتور در قبال شهروندان، ۲. تروریسم بین‌الملل (Terrorism International) که در آن تروریست‌ها با پشتیبانی برخی دولت‌ها اقدام به عملیات تروریستی در دیگر کشورها می‌کنند؛ ازجمله پشتیبانی فالتن‌های لبنانی از سوی اسرائیل در برابر مردم، ۳. تروریسم محلی (Terrorism Domestic) که در آن تروریست‌ها در داخل کشور خود بر ضد حکومت دست به عملیات تروریستی می‌زنند، ۴. ترانزیشنال تروریسم یا تروریسم بین‌ملتی (Terrorism Transnational) است. تروریسمی که در قالب آن تروریست‌هایی از ملت‌های مختلف در کشورهای دیگر اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند (سمیعی، ۱۳۸۴) البته در تعریف و تقسیم‌بندی تروریسم ناپیستی قضاوت‌های ارزشی که صورت می‌گیرد، نادیده پنداشت و از ضوابط موردنظر یک محقق و دولت غفلت کرد. امکان دارد افراد یا گروه‌هایی از سوی یک دولت تروریست خوانده شوند ولی دولت‌های دیگر آن‌ها را مبارزان راه آزادی بدانند. همان‌گونه که اشاره گردید، مصداق‌های تروریسم تا حدی مبهم هستند که پاره‌ای گروه‌ها و افراد زمانی به‌عنوان تروریست و زمانی دیگر از مبارزان راه آزادی شناخته می‌شوند. در سال ۱۹۸۵، نلسون ماندلا رهبر کنگره‌ی ملی آفریقا به‌عنوان تروریست در زندان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به سر می‌برد ولی هم‌اکنون به‌عنوان مبارز راه آزادی و نماد مخالفت با نژادپرستی ستوده می‌شود. پدیده‌ی تروریسم با تمام این احوال امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل در ابعاد جهانی است. (نکته‌ی حائز اهمیت در زمینه‌ی تروریسم بر اساس تعاریف سازمان‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد این است که می‌بایستی میان مقاومت و تروریسم تفکیک قائل شد) (عبدالغنی، ۵۹۱۲).

-تروریسم جدید و ویژگی‌های آن

وقوع حوادثی نظیر حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ میلادی و حمله به متروی توکیو در سال میلادی با گاز سارین، نشانه‌هایی از تغییر اساسی تروریسم بوده و بیانگر مسئله‌ای است که از آن به تروریسم





جدید نام می‌برند. واژه‌ی تروریسم پست‌مدرن (جدید) نخستین بار توسط والتر لکوئر در مقاله‌ای با همین نام در نشریه‌ی (Affaires Foreign) در سال ۱۹۹۶ میلادی به کار رفت (Lequere, ۱۹۹۶). وی معتقد است تروریسم از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد دچار تحولاتی از لحاظ انگیزه، استراتژی‌ها و ابزارها (سلاح تا) شده است. به‌عنوان مثال گروه‌های آنارشیستی دهه ۱۹۷۰ میلادی جای خود را به گروه‌های بنیادگرا، ناسیونالیست‌ها و عقاید هزاره گرایانه داده‌اند (همان). به‌منظور رسیدن به برداشتی یکسان از تروریسم جدید مهم‌ترین ویژگی‌های آن را به‌صورت خلاصه در ذیل بیان می‌کنیم.

- تروریسم جدید؛ ریشه در ایدئولوژی

اساساً از آنجاکه در رویکردی کلان ایدئولوژی ارائه‌کننده‌ی چاه‌جویی جهت تبیین و نگاه به مسائل مختلف می‌باشد. در شکل‌گیری تروریسم جدید عامل ایدئولوژی به‌عنوان عامل رهایی‌بخش از سرخوردگی و بی‌هویتی نخستین همایش ملی علوم اسلامی، حقوق و مدیریت ناشی از عامل نامطلوب جهانی‌شدن می‌تواند نقش کلیدی پیدا کرده و توجیه‌کننده‌ی اقدامات خشونت‌بار افراد و گروه‌ها دارد.

- تروریست‌های جدید؛ در پی افزایش تعداد قربانیان خود

این مسئله یکی از نقاط افتراق تروریسم سنتی از جدید می‌باشد. در تروریسم سنتی تروریست‌ها خواهان آن بودند که تعداد مشاهده‌کنندگان حادثه‌ی تروریستی افزایش یابد، درحالی‌که در تروریسم جدید علاوه بر این مسئله، این افراد خواهان نابودی تعداد زیادی از مردم است. از این‌رو تروریسم جدید خشن‌ترین شیوه‌ها را برای رسیدن به هدف به کار می‌برد (گوهری مقدم، ۱۳۹۰).

- استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از وجوه اصلی تروریسم جدید

از آنجاکه تروریست‌ها در پی افزایش تعداد قربانیان هستند طبیعی است که به سلاح‌هایی متوسل شوند که قدرت تخریب بیشتری داشته باشند و با کمترین هزینه بیشترین آثار مخرب را بر جای گذارد. در این راستا گروه‌های تروریستی در پی به دست آوردن و یا تولید سلاح‌های شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی و حتی هسته‌ای هستند. هرچند این امر به معنای عدم استفاده از ابزارها و سلاح‌های مرسوم و متعارف نیست.

- تروریسم جدید؛ دارای اهداف ساختار شکنان در نظام بین‌الملل

تروریست‌های جدید دارای اهدافی هستند که در ساختار نظام بین‌الملل کنونی قابل تحقق نبوده و بسیاری از اصول و ارزش‌ها و هنجارهای نظام با این اهداف در تعارض است. از این‌رو عمده‌تاً این تروریست‌ها تساهل لازم را نداشته و رویکردی ساختار شکنانه نسبت





به نظام بین الملل دارند؛ از این رو مذاکره و یا تلاش برای مصالحه با آن‌ها معمولاً بی ثمر است. این مسئله یکی از جدی‌ترین و خطرناک‌ترین ویژگی‌های این نوع تروریسم می‌باشد. گروه‌هایی نظیر القاعده تروریسم را هدف خود و امری مقدس می‌دانند و لذا در اصول هیچ تسامحی به خرج نداده و از آن دست بر نمی‌دارند (Campbell, ۲۰۰۰).

۳- حوزه‌ی عملیاتی مشخص نداشتن تروریست‌های جدید

تروریسم جدید خود را محدود به سرزمین و یا دولتی مشخص نکرده و حیطه‌ی عمل آن عمدتاً گسترده و بعضاً کل نظام بین‌الملل را محدوده‌ی عملیاتی خود قرار می‌دهد. وجود افراد هم سو در کشورهای مختلف با تروریست‌های جدید باعث تسهیل عملکرد و تسریع انتقال آن‌ها شده و هر هدفی در کشورهای مختلف می‌تواند در دسترس این افراد باشد.

۳- مورد حمایت دولت‌ها نبودن تروریسم جدید

تروریسم جدید عمدتاً فاقد حمایت دولت‌هاست و واحدهای نظام به دلیل متعدد سیاسی و حقوقی حداقل علناً هیچ تمایلی جهت حمایت و تجهیز این گروه‌ها ندارند از این رو قابلیت کنترل و پیش‌بینی اقدامات این گروه‌ها به شدت کاهش می‌یابد. هرچند باید توجه داشت منافع اعلامی برخی دولت‌ها در انتساب وابستگی برخی دولت‌ها با این گروه‌های تروریستی بوده است (گوهری مقدم، ۱۳۹۰).

-مختلف بودن ساختار گروه‌های تروریستی جدید

ساختار سازمانی گروه‌های تروریستی جدید قابلیت تغییر شکل سریع را دارد. به دلیل اینکه این گروه‌ها با توجه به محدودیت‌های شدید دولتی نمی‌توانند به شکل منسجم دارای فرماندهی واحد و سلسله‌مراتبی باشند، معمولاً به شکل حلقه‌های پراکنده و دارای رهبری محلی و با انعطاف‌پذیری بالا هستند. از سوی دیگر سازمان‌های تروریستی جدید ساختاری بسیط دارند (Raufer, ۱۹۹۹).

-تروریسم جدید؛ استفاده کردن از فضای مجازی و رسانه به شکل گسترده

بدون مرز بودن فضای سایبر، کاهش هزینه‌ی اقدامات، امکان وارد آوردن خسارات مالی، بدون آسیب‌های جسمی، تأمین راحت امکانات و عوامل موردنیاز برای اقدامات تروریستی، انعکاس جهانی موفقیت و مکتوم ماندن شکست‌ها، امکان جذب حامیان از سراسر جهان، انجام بهینه‌ی فعالیت‌های پولی و بانکی از مهم‌ترین دلایلی است که گروه‌های تروریستی را به استفاده از فضای مجازی ترغیب می‌کند.

-به شکل نمادین (سمبلیک) انتخاب شدن اهداف تروریسم جدید





از آنجایی که گروه‌های تروریستی توان مقابله‌ی کامل در برابر قدرت دولت‌ها و نابودی به اصطلاح دشمنان خود را ندارند از این رو تلاش می‌کنند به نمادهای قدرت دولت‌ها حمله کرده و آن‌ها را نابود سازند. در این راستا القاعده به برج‌های تجارت جهانی در نیویورک به عنوان نماد مالی نظام سرمایه‌داری آمریکا و پنتاگون وزارت دفاع آمریکا حمله نمود (گوهری مقدم، ۱۳۹۰)

- تروریسم جدید؛ غیرقابل پیش‌بینی بودن

مجموعه‌ی عواملی که در فوق به آن اشاره گردید سبب می‌شود تروریست‌های جدید قابلیت‌هایی بیابند که انجام اقدامات توسط آن‌ها مورد پیش‌بینی دولت‌ها نبوده و در هر زمان و مکان ممکن احتمال حمله و آسیب‌رسانی آن‌ها وجود دارد. این امر باعث پیچیده و دشوار شدن مبارزه با تروریسم جدید شده است.

- ریشه‌ها و عوامل تروریسم

گروه‌های تروریستی، انگیزه‌های گوناگون دارند. از دید سنتی، بیشتر تروریست‌ها انگیزه‌های قومی-ناسیونالیستی دارند و چه‌بسا از اقوامی هستند که با ستم یا بی‌مهری دولت روبرو شده‌اند. همچنین، ممکن است تروریست‌ها انگیزه‌های مذهبی داشته باشند یا اینکه اقدامات آن‌ها از نبود عدالت اجتماعی یا تعصب مایه گرفته باشد؛ ممکن است هدف‌های دیگری نیز داشته باشند، در سال‌های گذشته، برخی گروه‌های تروریستی (مانند حرکت جهادی- اسلامی در بنگلادش) خواهان برپایی یک رژیم تندرو اسلامی در بنگلادش شده‌اند (مقصودی وحید ری، ۱۳۸۸). بن‌مایه‌های تروریسم را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

- تنگدستی و محرومیت

نخستین موضوعی که از دید برخی رهبران سیاسی و پژوهشگران، یکی از دلایل یا ریشه‌های تروریسم شناخته می‌شود، تنگدستی، کمبود آموزش یا محرومیت و احساس نبود عدالت اجتماعی است؛ اما برخی اطلاعات نشان می‌دهد که تروریست‌ها از لایه‌های میانی جامعه هستند و بیشتر زمینه‌ی آموزش‌های دانشگاهی را دارند. نگرش بسیار رایج این است که بیچارگی و تنگدستی سبب شورش می‌شود؛ اما در بررسی دلیل ریشه‌ای تروریسم درمی‌یابیم که تنها برخی از علل این پدیده مشکلات اقتصادی است. بر اثر دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخی جوامع مورد تهدید تروریسم واقع می‌شوند یا پاره‌ای دیگر تروریست پرور می‌شوند. به سخن دیگر، تروریسم می‌تواند علت‌های فردی یا اجتماعی داشته باشد. بر اثر عوامل گوناگون، یک تروریست از دیگر افراد جامعه جدا می‌شود





و چه بسا مفروضات نادرستی در ذهن تروریست نیز او را به کارهای خشونت‌آمیز (Krueger ۲۰۰۷).

-ایدئولوژی و مذهب

از دیگر عوامل بسیار کارساز در گسترش تروریسم اختلاف و تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک است. دین، مذهب و ایدئولوژی عامل بسیار مهمی در برانگیختن احساسات انسان و واداشتن او به کارهای جسورانه و ازجان‌گذشتگی است. هرچند همه‌ی ادیان، منادی صلح هستند، ولی برخی از پیروان آن‌ها، راه‌های خشونت‌آمیز در پیش می‌گیرند. مفاهیم فراوانی در کتاب‌های آسمانی درباره‌ی صلح و پرهیز از خشونت آمده است، اما بی‌گمان جهانی‌شدن، آثار گوناگونی بر سیاست، جامعه، فرهنگ و رفتارهای مذهبی داشته است (Kuriakose, and otherst, ۲۰۰۶). همچنین، برخی رهبران گروه‌های تروریستی، از گرایش‌های مذهبی کسانی که آمادگی دست زدن به رفتارهای خشونت‌آمیز دارند، بهره‌گیری و رفتارهای تروریستی را بانام دین توجیه می‌کنند. پیروان دین‌های گوناگون نیز با بررسی آموزه‌های سنتی ادیان خود، می‌توانند آموزه‌های غیر خشونت‌آمیز ادیان را دریابند (Al.Khatter, ۲۰۰۳).

-مسائل قومی - ناسیونالیستی

تنش‌های قومی - ملی نیز می‌تواند از عوامل گسترش تروریسم باشد. برای نمونه، یکی از انگیزه‌های اصلی جنگ در کشمیر همین است. از این رو، حل و فصل برخوردهای قومی - ملی، می‌تواند از بروز و گسترش تروریسم جلوگیری کند. همچنین، توزیع ناعادلانه‌ی فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی میان قومیت‌های گوناگون در یک کشور، می‌تواند خشونت را در آن کشور گسترش دهد (عبدالله خانی، ۱۳۸۶). باید دانست که هویت قومی هنگامی به اقدام و بسیج سیاسی تبدیل می‌شود که گروه‌های سیاسی یا دولت از راه‌های گوناگون دست به تهدید یا ستم به وابستگان به قومیتی خاص بزنند؛ در این صورت باید انتظار جنبش قومی را داشت. بیشتر جنبش‌های قومی، در دهه‌های پایانی سده‌ی بیستم، در پاسخ به تهدیدهای محیط سیاسی مانند انکار یا نابرابری سر برآورده‌است (Gurr, ۱۹۹۴). از سوی دیگر، هویت ملی نیز چه بسا از درون کشور چند قومی تهدید شود. وجود شکاف‌های ریشه‌دار، امکان انسجام نیازها و ارزش‌ها و پیوندهای گروهی به‌جای پیوندهای ملی پدیدمی‌آورد (بوزان، ۱۳۷۸).

-نئو رادیکالیسم





رادیکالیسم نو یا چپ نو را که فرآورده‌ی دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی و اعتراض به مصرف‌گرایی در جهان سرمایه‌داری بود، نیز می‌توان از دیگر ریشه‌های تروریسم دانست؛ این رویکرد در میان کشورهای جهان سوم پیروان بسیاری پیدا کرد و به زیاده‌روی‌های اجتماعی برآمده از نوسازی و نوگرایی و سست شدن اندیشه‌های سنتی در جهان نو واکنش نشان داد.

۵-۴- بی‌قانونی و آشفتگی

نبود تعادل و انسجام و نیز بی‌قانونی در جامعه عامل دیگری برای پیدایش و گسترش تروریسم است. هراندازه همبستگی و پیوندلایه‌های جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت رشد تروریسم در آن کمتر است.

- رسانه‌های گروهی

مسئله‌ی دیگر، ارتباط میان پوشش رسانه‌ای و گسترش تروریسم است. پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که میان پوشش رسانه‌ای و از همه مهم‌تر تلویزیونی و گسترش تروریسم پیوند وجود دارد. رسانه‌ها به‌سادگی شیوه‌ها و الگوهای تروریستی را در اختیار دارندگان انگیزه‌های تروریستی می‌گذارند و می‌توانند به روش‌های گوناگون در آن‌ها ایجاد انگیزه کنند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶).

- تعهدات دولت‌ها در مبارزه با تروریسم

قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ شورای امنیت مصوب سال ۲۰۰۱ میلادی دربرگیرنده‌ی مجموعه‌هایی از تعهدات الزام‌آور برای دولت‌هاست. مسئله‌ی ارزش عام الشمول این قطعنامه هنوز هم محل بحث است. دو ایراد بر این قطعنامه وارد هست. ایراد اول، شورا از کنار مسئله‌ی تروریسم دولتی به‌سرعت رد شده است. این قطعنامه با رویکرد امنیتی و آمرانه‌ای که در مبارزه با تروریسم در پیش‌گرفته است درصدد باز فشرده کردن و تضییع و هر چه بیشتر آمرانه کردن مقررات مربوط به آن بوده و در این جهت از همه‌ی دولت‌ها انتظار حمایت همگانی و بدون هیچ عذر و تقصیر را مدنظر دارد. از آنجایی که قطعنامه‌ی مذکور متعرض کیفیت سیاست داخلی دولت‌ها نشده و به نحو افراطی با این موضوع به مداخلات و مداخلات برخورد کرده، لذا برای آن دسته از رهبرانی که رفتار مبهمی در پیش‌گرفته‌اند، میدان را باز گذاشته است (Altenburg, Travalio, ۲۰۰۳). مشکل دوم، مربوط به توانایی بعضی از دولت‌ها در پاسخ به الزامات شورای امنیت است. به‌موجب این قطعنامه دولت‌ها مکلف‌اند در کنار تکالیف متعدد دیگر، از اقدام کسانی که تروریسم را سازمان داده و یا با حمایت مالی اعمال تروریستی را تسهیل می‌کنند، جلوگیری کرده و اجازه ندهند از قلمرو آن‌ها علیه





دول دیگر یا اتباع دول دیگر استفاده‌ی تروریستی به عمل آید. بدیهی است که برخی از دولت‌ها دارای آن‌چنان ساختار و سازمان‌دهی که بتوانند این تعهدات را برآورده نمایند، نیستند، لذا نباید آن‌ها را متعهد به نتیجه فرض کنیم. فراموش نکنیم که حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر در خود کشور آمریکا و علیه آن واقع گردید؛ بنابراین دلیلی ندارد تصور شود که اگر این اقدام از طریق قلمرو ایالات‌متحده و به‌منظور انهدام اهدافی در مکزیک یا کانادا طراحی‌شده بود توفیق نمی‌یافت (بلکه به‌طریق‌اولی موفق می‌شد). حتی در خود کشورهای قدرتمند، نواحی و مناطقی با شهرهای بزرگ وجود دارند که در آن‌ها حکومت مرکزی فقط در آن‌یک نظارت نسبی اعمال می‌کند. این واقعیت ما را به موضوع مسئولیت دولت‌ها رهنمون می‌کند (اقارب پرست، ۱۳۸۶).

—راهکارهای مبارزه با تروریسم

دولت‌ها برای مبارزه با تروریسم نیازمند مهارت، دانش و منابع هستند. یکی از انگیزه‌های اصلی سازمان‌های تروریستی، جلب‌توجه مردمان است. تروریست‌ها می‌خواهند اقداماتشان پوشش رسانه‌ای داده شود. بااینکه نمی‌توان بیشتر کارهای تروریستی را از افکار همگانی پنهان کرد، می‌توان از بروز آشفتگی رسیدن تروریست‌ها به خواسته‌هایشان جلوگیری کرد. یکی از راهکارهای مبارزه با تروریسم، کنترل اطلاعات است. سازمان‌های تروریستی برای جلب افکار همگانی، می‌کوشند زیرساخت‌های اقتصادی یک کشور را ویران کنند یا به آن صدمه‌ی جدی بزنند و بر سر هم آن کشور را ناپایدار و بی‌ثبات کنند. همچنین یکپارچگی جامعه‌ی بین‌المللی در برابر تروریسم لازم است. از ویژگی‌های برجسته‌ی کارهای تروریستی در این سال‌ها، بین‌المللی بودن آن‌ها بوده است. در این موارد، وجود یک اراده‌ی بین‌المللی برای برخورد با این کارها ضرورت دارد. همکاری بین‌المللی در برخورد با تروریست‌ها نیازمند طرح‌هایی قانونی است که اجراشدنی باشند. ائتلاف بین‌المللی کارآمد میان کشورهای که در معرض اقدامات تروریستی هستند، لازم است. سنگین‌تر شدن کیفر کارهای تروریستی، یکی از راهکارهای مبارزه با این پدیده است. البته این شیوه چه‌بسا هدف برخی از گروه‌های تروریستی را که خواهان بیشتر شناخته شدن و جلب‌توجه هستند، برآورده کند. بهترین شیوه‌ی مبارزه با تروریسم شناختن گروه‌های تروریستی و نابود کردن آن‌ها پیش از اقدام است. در این حالت سرمایه‌ی سازمان توقیف و سران آن بازداشت می‌شوند و بدین‌سان گروه از هم می‌پاشد. با بهره‌گیری از این شیوه، دولت‌ها از وارد شدن صاحبان کار، سرمایه و خدمات به این حوزه جلوگیری می‌کند، همچنین با استفاده از این شیوه هزینه‌ی کارهای تروریستی را افزایش می‌دهد و بدین‌سان تا آنجا که





ممکن است از پیوستن افراد به این سازمان‌ها جلوگیری می‌کند. البته این شیوه نیازمند آن است که دولت‌ها منابع اطلاعاتی خود را در این زمینه افزایش دهند (Frey, ۲۰۰۴).

نگاهی به معنا و مفهوم امنیت:

«امنیت» ۱، از آن دسته مفاهیمی است که نمی‌توان برداشت واحدی در خصوص آن ارائه نمود. به عبارت بهتر نمی‌توان معنای دقیقی از این واژه، ارائه کرد. درواقع، مفهوم امنیت، همانند مفاهیم دیگر در علوم انسانی؛ تعریف مشخص و واحدی دارد. چراکه به علت گستردگی معنا، ابعاد مختلفی چون اقتصاد، سیاست، قضا، اجتماع و فرد را دربرمی‌گیرد. امنیت، به‌طور کلی مفهومی غیر توسعه‌یافته ۲، مبهم، ۳ نارسا ۴ و از نظر ماهیتی، جدال‌برانگیز، ۵ و از لحاظ شخصیتی، تباین و متناقض ۶ می‌باشد (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۸). آنچه مشخص است امنیت را دیگر نمی‌توان تنها در سطوحی محدود، موردبررسی و تباین قرار دارد. چراکه امروزه ابعاد و سطوح امنیت، متعدد و متنوع شده و به عبارتی، وسعت یافته است.

«درهرحال، سطح «امنیت کشور» از امنیت فردی ۱ تا امنیت دولتی ۲ گسترده شده است. در فضای میان امنیت فردی و امنیت دولتی، ابعاد مختلف امنیت جامعه نظیر امنیت اقتصادی ۳، امنیت اجتماعی ۴، امنیت فرهنگی ۵، ... قرار دارد. از برآیند تأثیرگذاری هر یک از این ابعاد بر یکدیگر، ملاحظات کلان امنیت داخلی کشور ترسیم می‌گردد. مطمئناً پیگیری این ملاحظات، بدون تأثیر و تأثرات محیطی امکان‌پذیر نیست، چراکه هیچ کشوری در خلأ زندگی نمی‌کند» (ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

با چنین اوصافی، «امنیت» را می‌توان ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی انسان‌ها، توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی، برخورداری از کلیه حقوق و آزادی‌های قانونی دانست و از سوی دیگر، می‌توان به معنای وجود آسایش و ثبات اقتصادی و اجتماعی و داشتن تصور ذهنی روشن از پدیده‌های یادشده، در اذهان مردم، تلقی کرد (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۰).

«بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب، نا اطمینانی و مخاطرات است. با این تعریف، بخشی اعظم رفتارهای فردی، گروهی و اجتماعی؛ صبغه‌ای امنیتی ۱، پیدا می‌کند، چون هیچ رفتاری فارغ از مخاطره و قدری تشویش نیست و اطمینان مطلق، نه میسر است، چون رفتار و اراده انسان‌ها، قابل کنترل کامل نیست و نه مطلوب، چراکه اطمینان و امنیت مطلق، پویایی را از جامعه گرفته و علم و تحقیق را تعطیل می‌نماید» (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

با توجه به این اوصاف، شاید یکی از کامل‌ترین تعاریف، همانا تعریف ذیل باشد:





«امنیت به‌طور کلی یعنی تداوم اموری مانند سلامت جسم و فکر و روح، همبستگی خانواده، جریان سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و جریان مصرف معقول. همچنین انتظارات افراد جامعه از تداوم آتی این امور به سمت بهتر شدن؛ به‌گونه‌ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشند» (متقی، ۱۳۷۷: ۲۵).

«در هر حال، سطح «امنیت کشور» از امنیت فردی ۱ تا امنیت دولتی ۲ گسترده شده است. در فضای میان امنیت فردی و امنیت دولتی، ابعاد مختلف امنیت جامعه نظیر امنیت اقتصادی ۳، امنیت اجتماعی ۴، امنیت فرهنگی ۵، ... قرار دارد. از برآیند تأثیرگذاری هر یک از این ابعاد بر یکدیگر، ملاحظات کلان امنیت داخلی کشور ترسیم می‌گردد. مطمئناً پیگیری این ملاحظات، بدون تأثیر و تأثرات محیطی امکان‌پذیر نیست، چراکه هیچ کشوری در خلأ زندگی نمی‌کند» (ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

با عنایت به این تقسیم‌بندی‌ها و تنوع و تعدد امنیت، بی‌دلیل نیست که تعریفی واحد و مشخص از مفهوم «امنیت» تا این حد، سخت و ناممکن شده و هر متفکری، تعبیر و تعاریف مختلفی از امنیت، ارائه نموده است.

چنانکه برخی می‌گویند: «امنیت، حمایت یک ملت است حمله‌ی فیزیکی و مصلحت و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌ات ویران‌کننده بیرونی است» (هافمن ۱، ۱۹۸۱، ۴۰۵).

خلاصه آنکه تمامی این علل و عوامل، باعث فقدان یک تعریف مشخص و قابل‌پذیرش از مفهوم امنیت می‌گردد و چالش‌ها و مشکلات زیادی برای دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و مجریان مسائل امنیتی ایجاد می‌نماید؛ اما آنچه در اینجا، ذکرش مهم و ضروری است، این نکته می‌باشد که عنوان نماییم: مفهوم امنیت، به‌تدریج و با توسعه‌ی جامعه‌ی بشری تحول یافته است؛

بر این اساس، لازم است که سؤال شود:

«رهایی از دغدغه، در چه موضوعی مطرح است یعنی رهایی از کدامین دغدغه، مدنظر است، آیا مقصود رهایی از دغدغه، اشتغال است یا دغدغه‌ی زیست‌محیطی یا دغدغه‌ی مربوط به یک حادثه‌ی طبیعی مانند زلزله؟ علاوه بر این، پدیدآورندگان دغدغه چه کسانی (حقیقی یا حقوقی) هستند؟ مگر نه این است که دغدغه‌های ما و رهایی ما از دغدغه‌ها به‌وسیله‌ی محیط اجتماعی‌مان شکل گرفته و تقویت یا تضعیف می‌شود؟» (نصیری، ۱۱۵).

امنیت ملی





به تعبیر رابرت ماندل: معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است. این واژه در قرن بیستم و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. در ساده‌ترین تعاریف، امنیت ملی این‌گونه تعریف می‌شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات و این‌که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ می‌کنند. محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت عنایت خاصی داشته و بر تفاوت معضلات، نگرش امنیتی کشورهای شمال و جنوب تأکید می‌کند و معتقد است که تفسیر شمالی‌ها از امنیت به نحوی است که ناامنی شمال و امنیت شمال، ناامنی جنوب تلفی می‌شود. در دیدگاه اسلامی، می‌بایست امنیت ملی را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمن و بیگانگان و بیگانه‌پرستان و نفوذ ایادی شیطانی آنان پیگیری کرد. امروزه هیچ کشوری در تأمین امنیت ملی، تنها به مقابله با تهدیدات نظامی بسنده نمی‌کند، بلکه انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسان‌هایی و... را در نظر می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

تروریسم به لحاظ تاریخ پیدایش، پدیده‌ی تازه‌ای نیست بلکه همواره تاکتیکی بوده که ضعیفان برای ترساندن اقویا و قوی‌ترها برای ترساندن ضعیفا در چهارچوب ساختار دولتی از آن بهره جسته‌اند؛ اما از آنجایی که در سال‌های اخیر تروریسم ماهیتی جدید به خود گرفته و وارد زندگی روزمره‌ی اعضای جامعه‌ی جهانی شده است، تنها تهدیدی علیه سیاست خارجی دولت‌ها، نیروهای نظامی و شرکت‌های تجاری- اقتصادی بزرگ دنیا محسوب نمی‌شود بلکه مبدل به واقعیتی خوف انگیز تر شده که به لحاظ اجتماعی جامعه‌ی خطرپذیر را دائماً در زندگی روزمره‌ی بشر ایجاد کرده است. همچنین گوناگونی امروزی پدیده‌ی تروریسم بسی بیش از سده‌های پیش است و اکنون تروریسم نقشی انکارناپذیر در معادلات سیاسی داخلی و بین‌المللی بازی می‌کند. در سده‌های پیش، تروریسم، دربرگیرنده‌ی کارهایی پراکنده، محدود و کمابیش مشخص بود که جنبه‌ی داخلی داشت و بیشتر موردتوجه رهبران و دیپلمات‌ها می‌شد؛ اما اکنون دیگر تروریسم تنها اقدام بر ضد دولت‌ها نیست و افزون بر دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های گوناگون، افراد و ملت‌ها را هدف قرار می‌گیرد. دگرگونی‌های شگرفی در نظام بین‌المللی پدید آمده است که یکی از آن‌ها، گسترش تروریسم در اشکال گوناگون است. بدین ترتیب تروریسم در دوران جهانی‌شدن، از





درون‌مایه تا ساختار، هدف، انگیزه، دامنه و درمجموع از هر نظر دگرگون‌شده است و این دگرگونی در راستای افزایش اثرگذاری آن بوده است. نقطه‌ی آغاز تروریسم، نارضایتی بازیگران است؛ بنابراین بالا گرفتن نارضایتی همراه با عوامل دیگری چون آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای رو به افزایش می‌تواند مایه‌ی گسترش ناامنی، خدشه‌دار شدن نظام اجتماعی یا ثبات سیاسی شود و به پدیده‌هایی مانند جنگ و شورش، برخوردهای مسلحانه و... بینجامد. ولی باید گفت که نابرابری و ناکامی نسبی خاستگاه نارضایتی است به‌تنهایی نمی‌تواند مایه‌ی کارهای تروریستی شود. از سوی دیگر، برای ریشه‌یابی تروریسم، در کنار مسائل عینی مانند خشونت سیاسی، به مسائلی همچون بی‌عدالتی و نابرابری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز باید توجه کرد. همچنین، عواملی مانند گسترش فناوری به‌ویژه پهنه‌ی اطلاعاتی و ارتباطی، دگرگونی درزمینه‌ی تولید جنگ‌افزارها، افزایش شمار بازیگران فرا دولتی و برخی رفتارهای ایالت متحده‌ی آمریکا در جهان را می‌توان از ریشه‌های اصلی دگرگونی تروریسم دانست. نکته‌ی حائز اهمیت دیگری که باید به آن اشاره نمودان است که از عوامل گسترش تروریسم در جهان امروز می‌توان به روند غیرمذهبی کردن کشورها، تنگدستی و نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی در بسیاری از کشورها، نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی، روند شتابنده‌ی جهانی‌شدن، رونق تجارت جنگ‌افزار، نوآوری‌های فنی که کارهای تروریستی را در سطح جهان آسان‌تر کرده است و نقش رسانه‌ها در انتشار فوری و گسترده‌ی اخبار مربوط به کارهای تروریستی که از یک‌سو به ترویج افکار تروریستی کمک می‌کند و از سوی دیگر اثربخشی آن بر افکار همگانی را افزایش می‌دهد، اشاره کرد. بدین ترتیب جامعه‌ی جهانی با درک اهمیت مسئله‌ی تروریسم همواره برای تعریف، تبیین و مقابله با این پدیده به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل تلاش کرده است. بااین‌حال به نظر می‌رسد که اقدامات صورت گرفته کافی نیست. ازاین‌رو شایسته است که جامعه‌ی بین‌المللی تمام انرژی خود را برای مبارزه با تروریسم و التیام زخم‌های حاصل از آن به کار گیرد و شیوه‌ی برخورد با این مسئله برای آینده‌ی بشریت بسیار سرنوشت‌ساز است. این مبارزه اگر با تأمل و دوراندیشی و ساماندهی مناسب همراه باشد موجب وحدت در جامعه‌ی بین‌المللی شده و بدین‌سان مواجهه با مشکلات قرن بیست و یکم یعنی نگرانی فزاینده در مورد سرنوشت عدالت و همبستگی جهانی و حل این مشکلات آسان می‌شود در غیر این صورت اگر این مبارزه و شیوه‌های آن بدون مطالعه و جامع‌نگری باشد مستعد تولید خشونت و سرکوب و بروز خطرات ناشی از آن‌هاست. همچنین به‌منظور مقابله با تروریسم شناخت زمینه و عواملی که تروریسم در آن‌ها ریشه



دوانیده الزامی است و برای شناخت همه‌جانبه‌ی این عوامل و یافتن راه‌حل اصولی، به نظر اتخاذ یک روش معقول و همه‌جانبه نگر ضروری است. مبارزه با تروریسم از دید حقوق بین‌الملل اقدامی است که باید از سوی جامعه‌ی جهانی پیگیری شود و توسل یک دولت به اقدامات خشونت‌آمیز و جنگ‌طلبانه نه‌تنها خود نمونه‌ای از تروریسم به حساب می‌آید از منظر حقوق بین‌الملل نیز موردقبول نیست. با توجه به نقش و اهمیت امنیت در تمامی ابعاد و تأثیر مستقیم آن در زندگی انسان‌ها لذا یکی از عوامل مهم از بین بردن امنیت ملی و بین‌المللی تروریسم می‌باشد لذا مبارزه با تروریسم نقش مهمی در امنیت ملی کشورها دارد.





منابع و مآخذ

- آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات نی، ۵۹۱۲.
- اقارب پرست، مقابله با تروریسم در حقوق بین‌الملل، **مجله ره‌آورد سیاسی**، شماره ۵۹، ۵۹۱۹ پاییز.
- بوزان، باری، **مردم، دولت و هراس** تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی، ۵۹۹۱
- سفارت جمهوری اسلامی ایران - کوالالپور، میزگرد بررسی تروریسم، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال شانزدهم، شماره ۵، ۵۹۱۵.
- سمیعی، ریشه‌یابی تروریسم و راهکارهای دموکراتیک برای حل آن **فصلنامه زری بار**، شماره ۱۹-۱۹، سال نهم، بهار و تابستان. ۵۹۱۴
- طیب تروریسم، ع تهران: انتشارات نی. ۵۹۱۲.
- ع عبدالغنی، مقاومت و تروریسم، ترجمه ماجد نجار **فصلنامه خاورمیانه**. ۵۹۱۲.
- ع عبدالله خانی، تروریسم شناسی تهران، ابرار معاصر تهران. ۵۹۱۹.
- ن فکوهی، خشونت سیاسی، تهران: انتشارات نی، ۵۹۱۱
- گوهری مقدم، ا، جهانی‌شدن و تروریسم جدید: ارائه‌ی مدلی مفهومی، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال هفتم، ۵ شماره بهار و تابستان. ۵۹۳۱
- حیدری مقصودی، دگرگونی مفهوم تروریسم؛ بررسی موردی تروریسم در هند، **مجله مطالعات سیاسی** -
- اقتصادی، سال بیست و سوم، ۹، شماره ۱ - فروردین و اردیبهشت. ۵۹۱۱
- بوزان، باری، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه‌ی: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ناشر: **پژوهشکده مطالعات راهبردی**، ۱۳۷۹.
- تاجیک. محمدرضا، «مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی»، کتاب: «**مجموعه مقالات ارائه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی**»، تهران، ناشر: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، زمستان ۱۳۷۶، چاپ اول، جلد دوم.
- لرنی. منوچهر، «**امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها**»، تهران، ناشر: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳.
- متقی. جلال، «**امنیت و اقتصاد**»، **نشریه‌ی امنیت**، سال دوم، شماره چهارم، مرداد ۱۳۷۷، ناشر: وزارت کشور - حوزه معاونت امنیتی و انتظامی، تهران.





-نصیری. قدیر، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.

-Al-Khattar, M. A (۲۰۰۳), **“Religion and Terrorism: An interfaith publishing group, ۲۰۰۳, p.۱۷perspective”**, CA; Greenwood

-Campbell, J (۲۰۰۰), **“on not Understanding the problem”** in Hype or Reality? The new terrorism and mass casualty attacks, Brad Roberts(ed). Alexandria: the chemical and Biological Arms control Institute.

-Deen,T (۲۰۰۵), **“Politics: After ۸ years, UN cant Agree How To Define Information Network**, Dec ۲Terrorism. Global

-Derderian, J (۱۹۹۱), **“The terrorism discourse: signs, states and system of global political violence”** (New York: Martins press,۱۹۹۱),p.۲۳۹

-Fery, S. B (۲۰۰۴), **“Dealling With Terrorism: stick or carrot? UK: Edward Elgar Publishing,۲۰۰۴ p.p.۱۵-۱۷.**

-Gurr, T, R (۱۹۹۴), **“people Against States: Ethno political conflict and the changing world system”**, International Studies Quarterly, no. ۳۸, September ۱۹۹۴, p.p. ۳۷۰-۳۷۲.

-Krueger, B. A (۲۰۰۷), **“What makes a terrorist: Economics and the roots of Terrorism”** Princeton: p Princeton University press ۲۰۰۷, p.p. ۴۱-۴۲.

-Kuriakose, K. K. and Others (۲۰۰۶), **Religion, Terrorism and Globalization: non violence”: a new agenda**, New York: Nova Science Publishers, ۲۰۰۶, p.p. ۲۵-۲۷.

-Raufer, X (۱۹۹۹), **New Word Disorder, New Terrorism: New Threats For Europe and the Western World”**, Terrorism and Political Violence, V.۱۱



-Travalio, G and Altenburg, J (۲۰۰۳), **Terrorism, State Responsibility and the Use of Military Force**", Chicago Journal of International Law, V.۴.

-Hoffman. Stanly, Security in the Age Turbulence. Means of Response in Third World Conflict and International Security. Adelphi Papers. No. ۱۶۷, Summer ۱۹۸۱

